**فناوری هیئت، در نسبت با مشارکت بانوان بی حجاب**

وجه کارکردی مشترک هیئت و کاروان راهیان نور، ملاقات با جنبه قدسی انسان یعنی شهید است. شهید صراطی است که در کرانه اش من برتر، من جذاب، من استعلایی و من جاودانه انسان ایستاده است.

گروه زنان و جوانان خبرگزاری فارس؛ مهدی افراز: «از لاک جیغ تا خدا» عنوان برنامه ای بود که از سال 93 تولید و روی آنتن صداوسیما پخش می شد، محتوای عمده اش مروری بر نحوه تحول و سپس گرایش صدها نفر از دختران جوان به حجاب بود. چند سال پیش از تهیه کننده زحمت کش این برنامه در مورد زمینه اصلی تغییر رفتار این بانوان سوال کردم، با صراحت و با استناد به روایت سوژه ها، در 90 درصد موارد؛ دو عامل محوری را اسباب گرایش این دختران به حجاب می دانست.

این دو عامل نه مطالعه کتاب نظام حقوق زن در اسلام استاد مطهری، نه مشاهده مستند ایکسونامی و انقلاب جنسی، نه آشنایی با فتاوای مراجع در حوزه پوشش، نه شرکت در جلسات الگوی زن سوم در دانشگاه، نه حضور در جلسات مشاوره سبک زندگی کانون فرهنگی مساجد، نه توصیه ها و خواهش های خانوادگی، بلکه «حضور در هیئت امام حسین (ع)» و «شرکت در کاروان های راهیان نور» به عنوان دو عامل منحصربفردی بوده اند که اسباب گرایش این افراد را به حجاب فراهم آورده اند. بسترهایی که لزوما هیچ دلالت مستقیمی به موضوع حجاب ندارند ولی مشخصا موجب تغییر شدید در سبک پوشش این افراد شده اند.

در این دو فناوری اجتماعی چه محرّک مشترکی برای تحول در سبک پوشش وجود دارد؟ این دو فناوری در کدام نقطه تاثیر وارد نظام حساسیت انسان می شوند؟ به نظر می رسد کانونی ترین نقطه ای که از رهگذر حضور و مشارکت در این الگوها مورد اصابت قرار گرفته است؛ مقوله تحول در معنای زندگی یا به زبان بهتر "تحول در معنای حیات" این افراد است.

وجه کارکردی مشترک هیئت و کاروان راهیان نور، ملاقات با جنبه قدسی انسان یعنی شهید است. شهید صراطی است که در کرانه اش من برتر، من جذاب، من استعلایی و من جاودانه انسان ایستاده است، شهید نمودی از معنای متفاوتِ انسان و پهنه ای برای ورود بشر به جهانی است که موطن وجودی اوست. سیدالشهدا ع در کسوت سیادت و در قله آن استقرار یافته و سایر شهدا در دامنه آن. این ملاقات انسان را نه ذهناً که وجوداً در دوراهی من انسانی- من حیوانی، من ملکوتی – من ناسوتی، من مافوق – من مادون، من باقی– من هالک قرار میدهد. انسان در این دو فناوری با خود برترش مواجه و رسیدن به آن را تمنّا می‌ کند.

این مواجهه چه اثری بر انتخاب نوع پوشش دارد؟ وقتی سقف استقرار انسان در ساحت طبیعت و جسمیت خود باشد، تمام توجهش به «نازل ترین بعد وجودی اش» یعنی بدن خواهد بود. اگر این التماس در بستر یک جامعه بازاری با صورت سرمایه داری هم محقق شود که «یَغْشَاهُ مَوْجٌ مِنْ فَوْقِهِ مَوْجٌ» شده و بدن را به مثابه یک کالا وارد میدان تولید – توزیع – مصرف خواهد کرد. ملاقات با شهید، معنای زندگی انسان و غایت بودنش را بر سر دوراهی قرار داده و افق هایش را جابجا می کند، وقتی این دگرگونی رقم خورد رویکرد انسان در تعامل با درون و بیرون خویش از جمله بدن هم تغییر خواهد کرد و نتیجه اش تغییر در سبک مدیریت بدن و پوشش است.

حال با در نظر داشتن چنین استعدادی در این فناوری ها و در زمانه ای که با کمبود الگوهای معنابخش به زندگی شهروندان برای ارتقای سبک پوشش مواجه هستیم، آیا ایجاد ممانعت از حضور بانوان بی حجاب در این مراسمات هوشمندانه است؟

پاسخ به این پرسش دشوار ولی تامل در آن لازم است. اگر سیر تطور تصوّف و مناسکش در ایران را در پنج قرن گذشته مورد بازخوانی قرار دهیم، احیاناً ملاک های روشن تری برای قضاوت خواهیم داشت. مناسک متصوفانه از زمانی که به بهانه های مختلف دامان خود را از تقید به شریعت و فقه خالی کردند همزمان از جوهره و اثربخشی خود خارج شده و رفته رفته در جامعه ایران به انزوا کشیده شدند. در واقع مناسک معنوی به عنوان یک فناوری اجتماعی، ذات و جوهره شان به آداب و شرایطی گره خورده است که چارچوب آن در شریعت مشخص شده و هرزمان که از محدوده آن خارج شود دچار انقلاب در ذات خواهند شد حتی اگر صورت و فرم خود را نیز حفظ کرده باشند. تأثیر و دخالت در قلوب که کارویژه اساسی این فناوری هاست امری است که تدبیر آن لزوما در اختیار صاحب شریعت است که تاکید دارد؛ أَنَّ اللَّهَ یَحُولُ بَیْنَ الْمَرْءِ وَ قَلْبِه، پس تقید به شریعت شرط تأثیر این مناسک است و اساساً تشیع از رهگذر ایجاد همگرایی میان شریعت و طریقت توانست پاسدار واقعی حقیقت و مسیری برای دستیابی انسان به آن باقی بماند.

اگر ایجاد تحول در قلوب عموم جامعه من جمله بانوان بی حجاب را کارکرد هیئت بدانیم، در این دوره باید تلاش کنیم که به هر هنر و ابتکاری بستر را برای "حضور مؤثر" این افراد مهیا نمائیم اما حضور مؤثر لازمه اش در وجه جمع میان جوهره و کارکرد است. لذا اگر توانستیم با ابتکاراتی زمینه حضور این بانوان را در ضمن تقید به حداقل های فقهی فراهم آوریم موفق شدیم این محافل را در ضمن کارآمدی بسط دهیم، اما در صورت تزاحم و عدم توفیق در ایجاد شرایط، عقل به حفظ جوهره و ذات این فناوری ها یعنی "حراست از موجودیت متشرعانه هیئت" حکم خواهد کرد، عقلانیتی که در موضوع کیفیت ورود بانوان به حرم های اهل بیت نیز در ادوار مختلف کارآمدی خود را نشان داده است.